

در هر اتاقی، محل های امن را مشخص کنید (مثلاً زیر یک میز محکم یا کنار ستون ها یا دیوار های مجاور آنها).

محروریت ۵ هزار نابینا و کم بینا از خط بریل کردی در کردستان

بیش از پنج هزار کم بینا و نابینا در کردستان زندگی می کنند که به گفته مشاور استاندار کردستان در امور معلولان از سیستم یکپارچه خط بریل کردی محروم هستند. به گزارش بهزیستی استان کردستان و به گفته ابراهیمی، مشاور استاندار کردستان در امور معلولان، آمار نابینایان و کم بینایان در کردستان سه هزار و ۳۲۴ نفر شامل یک هزار و ۲۹۰ زن و دوهزار و ۳۴ مرد است که تحت پوشش خدمات بهزیستی در مناطق شهری و روستایی هستند که این آمار از منظر دکتر «صرت‌اله ابراهیمی» تنها مشمول افراد شناسایی شده دارای پرونده در بهزیستی است و به گفته وی شمار معلولان دارای معلولیت بینایی بیش از ۵ هزار نفر است.

تلگراف و تلفن قرار گرفت.

ژنرال‌سور روس تا اواسط دهه ۳۰ دیگر توان پشتیبانی دستگاه‌های رادیویی را از دست داده بود، این بود که یک غول آهنی جایگزینش شد؛ ژنرال‌تور زیمنس. غول آهنی ساخت آلمان که برق دستگاه‌های فرستنده امواج رادیویی مستقر در عمارت را با قدرت ۴۰۰ کیلووات تأمین می کرد، خاموش، وسط سالن اصلی کلاه فرنگی نشسته است. این دستگاه را در سال ۱۳۳۶ جایگزین دستگاه مولد برق روسی کردند. مولد روسی الان کجاست؟ شاید اوراق شده. کاخ‌دار هم از سر نوشت آن خبر ندارد: «دستگاه‌هایی که از این جاطی دوره‌های مختلف بیرون برده شده، دیگر به این جا بر نگشته است. بسیاری از تجهیزات به انبار های اسفاطلی وزارت پست و تلگراف رفت، ولی چون به ارزشش واقف نبودند، به مرور زمان بعضی هایشان از بین رفتند، اما بعضی از قطعاتشان شاید قابل بازگردانی باشد.» از باکس های فرانسوی هم جز عکس چیزی باقی نمانده. «هیچ کدام از این دستگاه‌ها نیستند. از تمام

تجهیزات شاید ۲۰ درصد باقی مانده باشد، در تغییر سیستم مخابرات وزارت پست و تلگراف، سیاست بر این بود که وقتی مرکزی را به‌روزی می کردند، دستگاه‌ها به‌صورت قطعه‌قطعه به انبار های مختلف منتقل شود و اگر قابل استفاده بود، به سیستم بر گردد. خیلی از تجهیزات طی این سال‌ها در مناقصاتی به‌عنوان اوراق فروخته شده است.»

هیچ آرشویی وجود ندارد
بعد از نصب نخستین

فرستنده، رضاخان دستخطی به وزیر دربارش می دهد با این مضمون که باید مقدمات کار رادیو فراهم شود. «بعد بیات دولت در سال ۱۳۱۷ با بودجه ۸۰ هزار تومان، راهاندازی رادیو را مصوب کرد و دقیقاً دو سال بعد در ۴ دیهشت ۱۳۱۹ ساعت هفت شب، رادیو داخل این ساختمان افتتاح شد، اما از نخستین صدایی که این جا پخش شده خبری نیست. شاید هم صفحه‌هایش باشد و پیدا شود.» مدت فعالیت رادیو در این بنا هم معلوم نیست. کاخ‌دار می گوید که آن زمان آرشویی وجود نداشته است: «برای دو تا سه ماه برنامه‌های (زنده) اجرا می شد و همه منتظر می ماندند که نوبتشان برسد.» ساختمان رادیو بنایی سفید است نزدیک به کلاه فرنگی، «تجهیزات فنی را در این ساختمان نصب می کردند تا رادیو به آن جانتل مکان کند. رادیو تا سال ۱۳۳۷ در ساختمان سفید فعال بود تا این که تعطیل و به میدان آرگ منتقل شد. دولت هم اسامی رادیو را از رادیو تهران به رادیو ایران تغییر و اجازه داد استان‌ها رادیو مستقلی به نام خودشان افتتاح کنند.» همین‌طور هم شد. رادیو از روز اول به هفت زبان زنده دنیا اخبار پخش می کرد. برنامه‌ها از روزی دو ساعت شروع و کم‌کم طولانی تر شد. کاخ‌دار ماجرای جالبی از رادیو می داند، مثل دو موتوری که موظف بودند اخبار را از وزارت خارج به تحویل بگیرند و در دو نسخه به ساختمان سفید بیاورند تا در صورت رخ دادن حادثه‌ای برای هر یک از آنها، بالاخره یک نسخه از اخبار به رادیو برسد. با این که دو ماشین صبح به صبح گوینده‌ها و اخبار گوها را از



گزارش «شهروند» از ساختمان بی سیم پهلوی

نخستین مکان فرستنده رادیویی در ایران که حالا دفتر کار وزیر ارتباطات است

نخستین دیدار با خانه «مورس» و «تلگراف»

رئیس مرکز روابط عمومی وزارت ارتباطات: وزیر پذیرفته که سالی یک بار یادوار به مناسبت‌های خاص اجازه بازدید از کلاه فرنگی داده شود

گزارش و عکس: مهتاب جودکی | گوشه‌ای از سقف شیروانی کلاه فرنگی، این نوشته به خطی ظریف روی تکه‌ای چوب سوزانده شده: «پژمان، ۱۳۰۶. قصر».

کار ساخت این عمارت که امروز دفتر وزیر ارتباطات است، پنج‌سال قبل از آن شروع شده بود؛ سال ۱۳۰۱، با طرح «یکلای مارکوف» روس و به دستن ابراهیم معمارباشی، معمار وزارت پست و تلگراف سابق و به دستور رضاخان، وزیر جنگ وقت. ساختمان را در بیابانات تهران ساختند، در بیابانی که جاده قدیم شمیران از آن می گذشت، خیابان دکتر شریعتی امروزی. قرار بود کلاه فرنگی، نقطه اتصال ایران به دنیا باشد و نخستین امواج رادیویی از آن مخابره شود. همین‌طور هم شد؛ پیام‌ها با «مورس» و «تلگراف» از این جا به همه دنیا مخابره شد. رفته رفته سیم و دکل و ژنراتور و فرستنده‌ها، ساختمان بی سیم را احاطه کردند و نزدیک صدسال بعد کلاه فرنگی بین همه ساختمان‌های بلند سیمانی دور و برش شد گلو پیشانی سفید؛ با گنبد گرد و پنجره‌های مشبک و دکل بلندی که آسمان را قلقلک می داد. با این همه در تمام این سال‌ها، از آن چه داخل این بنا نگهداری می شود، کمتر کسی خبر داشت.

در پیچ و خم تاریخ و باز رونق افتادن تلگراف و مورس و رادیو، کلاه فرنگی هم متروکه شد تا سال ۸۴ بالاخره مرمتش کردند. و سال ۸۸ تابلوی «موزه بی سیم» را بر دیوارش نصب کردند، اما بازدید عمومی از آن ممکن نشد. دست آخر یک‌سال قبل محمدجواد آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، بساط دفتر کارش در ساختمان مرکزی وزارت ارتباطات رابه یکی از اتاق‌های این عمارت منتقل کرد و منتقدان گفتند که «فوز جوان، کاخنشین شده» گفته بودند که قرار نیست هیچ کدام از بازمانده‌های این بنا، یعنی ژنراتورها، دستگاه‌های بی سیم،

تابلوهای نقاشی، فایل‌های تصویری و میزها و صندلی‌های فجری از عمارت خارج شوند. وزیر که به کلاه فرنگی با گذاشت، لوله‌کشی و برق‌کشی و نبردگی‌های بنا را کنترل و ایرادهای ساختمان را رفع کردند. در اتاق کار او هم رنگ و تزییناتی به کار گرفتند که به کل بنا بیاید. چند روز پیش، این عمارت برای بازدید خبرنگاران باز شد و حالا به نظر می‌رسد بالاخره کلاه فرنگی سر و سامان گرفته، هرچند در وزارت ارتباطات هنوز فهرستی از بناهای ارزشمند تحت اختیار خبری نیست.

تجهیزات قدیمی که اوراقی شدند

عمار کلاه فرنگی، نخستین مرکز رادیو و دستگاه‌های رادیو و ژنراتورها، به جز اتاق وزیر و منشی‌ها و رئیس دفتر و بالکن چشمگیرش، دو سالن دارد پر از تجهیزات بازمانده از زمان زنده بودن این بنا. یکی از درهای ورودی عمارت به سالن میانی باز می‌شود. دست راست و چپ این سالن، دو تالار کنفرانس قرار داده که ۱۳ سال از اصل بنا جوان‌ترند و دور تا دورشان صندلی چیده شده. «این دو سالن راه به‌نا اضافه کرده‌اند چون برای نصب فرستنده آمریکایی برای کاربر رادیو به‌فضا نیاز داشته‌اند.» این را ابوالفضل مرشدزاده، کاخ‌دار کلاه فرنگی می‌گوید.

روی دیوار عکسی است از بنای در حال ساخت و گردگردش بیابان؛ زیرش نوشته: «ساختمان مرکزی فرستنده موج بلند وزارت جنگ در سال ۱۳۰۳ ساختمان بنای دستگاه‌های بی سیم ایران را در اراضی قصر قاجار به اتمام رساند.» در عکسی دیگر، دو سال

بعد از این تاریخ، رضاخان در مراسم افتتاح نخستین ساختمان بی سیم در این عمارت روی پله‌های فرش شده ورودی ایستاده و نظامیان دو طرفش به خط ایستاده‌اند. مرشدزاده توضیح می‌دهد که این جاساز ابتدا برای مقاصد نظامی ساختند: «وقتی عمارت آماده شد، یک فرستنده موج بلند روسی خرید و نصب شد که ایرانی‌ها کار با آن را بلد نبودند. پس مقرر شد دوره آموزشی ببینند که کار دست خودی‌ها باشد.» توی عکس شاگردان مدرسه پست به دستگاه فرستنده

روس ایستاده‌اند؛ با پیشرفت کارهای فنی، تربیت کارمندان فنی آغاز و مدرسه بی سیم کل قشون از اول سال ۱۳۰۴ تأسیس شد تا در موقع شروع مخابرات تمام کارها به دست ایرانیان باشد. «همین که نخستین نظامیان فارغ‌التحصیل شدند، از طریق این ساختمان با استفاده از مورس و تلگراف و بی سیم به دنیا وصل شدیم و از سال ۱۳۰۵ به بعد ورژن‌های مختلف روز را خریداری و این جا نصب کردند. تا این که سال ۱۳۱۷ موفق شدند یک فرستنده موج کوتاه آمریکایی خریداری کنند و این منجر به تشکیل رادیو شد.» زیر تصویری از دو مرد که به ژنراتور تکیه داده‌اند نوشته: «قسمتی از وسایل داخلی موج بلند، از نیمه‌سال ۱۳۰۴ نصب دستگاه ۲۰ کیلوواتی موج بلند آغاز شد.» بعد از گشایش دستگاه‌های موج کوتاه مرکز گیرنده و مخابرات از مرکز فرستنده جدا شد. مرکز گیرنده در اراضی نجف آباد مستقر شد؛ جایی در جنوب شرق تهران، پارک بی سیم، خیابان طیب در ضلع جنوبی میدان خراسان. مرکز مخابرات در محل وزارت پست و

میدان توپخانه به این جامی رسانند.

نخستین گوینده خانمی بود به نام «قدسی رهبری» که کبی احکام و اسنادش در کلاه فرنگی است و اصلش در ریاست جمهوری: «او در تستی از بین ۱۰۰ نفر انتخاب و تبدیل شد به نخستین گوینده رادیو. حقوقش ماهیانه ۱۰۰ تومان بود. آن زمان گوینده‌های فارسی‌زبان دو برابر خارجی‌ها پول می‌گرفتند؛ ایرانی‌ها ماهانه ۱۰۰ تومان و خارجی‌ها ۵۰ تومان. حتی از گروه ارکستر موسیقی ایرانی، شهرداد مشیر همایون، بالاترین حقوق را می‌گرفت. با ماهی ۸۰ تومان، هم پیانو می‌زد و هم می‌خواند. گروه ارکستر غربی متشکل از ارمنه روس تبار، ماهیانه ۱۵۰ تومان می‌گرفتند. کمترین حقوق هم مال سرایدار بود، ماهی ۲۴ تومان.»

یک شاهکار معماری، پراز امضا

روی دستگاه فرستنده موزه بی سیم، کپی یکی از تلگراف‌های خاص آن زمان نصب شده؛ تیریک نوروز از طسرف هیتلر به

رضاخان، به تاریخ ۱۳۱۷. «از آن اعلی حضرت خواهش‌مندم به مناسبت نوروز صمیمی‌ترین تبریکات و ادعیه‌ام را جهت مزید ترقی و تعالی کشور ایران قبول فرمایند. امضا: آدولف هیتلر.» این تلگراف ۱۸ سال پیش همین‌جا دریافت شد و حالا اصل آن در ساختمان ریاست جمهوری نگهداری می‌شود. اما علاوه بر اتفاقات تاریخی، معماری کلاه فرنگی هم ارزش آن را بیشتر کرده است.

کاخ‌دار می گوید که این یک شاهکار معماری ۹۵ ساله است و تصویر نوشته سوزانده شده در جوب را نشان می‌دهد: پژمان ۱۳۰۶ قصر. «نجاری که در این جا کار کرده، نامش را روی چوب‌های زیر شیروانی نقش کرده است.» عمارت پر از راز است و عکاس مخابرات خیلی اتفاقی این نوشته را پیدا کرده. مرشدزاده از مرمت بنا می‌گوید: «بازسازی این جا چهار سال طول کشید؛ از ۸۴ تا ۸۸. از سال ۸۸ هم با یک فرزند مخصوص، دود ژنراتورها را از روی سقف برداشتند و سقف را با باتونه و قیر مرمت کردند. بعد فقط برای زیبایی، پایه‌خ‌رک‌هایی به سقف اضافه کردند. حتما کار پرزحمتی بوده. اتاق اول را که ۱۲ سال جوان تر است هم سقف کاذب زده‌اند. استقامت بنا هم در ۶ تا ۷ ریشتر است. ستون‌های محکمی دارد و بعد از بازسازی حدود یک و نیم متر قیر گونی و سیمان شده. دیوارها هم برای استقامت بیشتر سیمان شده است.» ورودی اصلی ساختمان می‌رسد به راهرویی که دفتر وزیر در آن است و از سقف گنبدی، نور شیشه‌های رنگی به داخل تابیده. ته این راهرو راهپله باریکی است که به بالکن می‌رسد و در این بالکن جلسات وزیر برپا می‌شود و یکی از مهم‌ترین این جلسات، اجلاس چهارجانبه وزرای ارتباطات ایران، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و روسیه بوده است. امضاهای تاریخی کلاه فرنگی هم زیاد است. یکی دیگر شان روی کرکره‌های ۷۰ ساله بیرون بناس است که دو پلاک سربی دارند و رویشان نوشته: کارگانهی اصغر حاج عبدالله بیچ شمیران، خیابان شاه رضا.

وزارت ارتباطات به دنبال حفظ میراث فرهنگی

مثل وزارت نفت که از بازمانده‌های تاریخی اش، موزه ساخته، توجه وزارت ارتباطات هم مدتی است که به میراث فرهنگی جلب شده. جمال هادیان، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات می‌گوید تا زمانی که ۱۰ بنای ارزشمند تحت اختیار این وزارتخانه شناسایی شده که یکی از آنها ساختمان تلگراف خانه چاپهار است و سازمان منطقه آزاد چابهار توافقاتی کرده تا این بنا به مرکز گردشگری تبدیل شود: «ساختمان‌های پست در اغلب استان‌ها بناهای تاریخی‌اند. شناسایی، احیاء و مرمت این بناها بودجه زیادی می‌خواهد و باید با مشارکت بخش خصوصی و شهرداری‌ها اتفاق بیفتد. وزارت ارتباطات وظایف دیگری دارد اما همین که الان ایده و قدرت حفظ میراث فرهنگی به این نهاد آمده، خیلی ارزشمند است.» هادیان خبری می‌دهد که قرار است آذری جهرمی، که به مسائل تاریخی و فرهنگی علاقه‌مند است، معاونتی به نام «موزه و اماکن تاریخی و میراث فرهنگی» در مجموعه روابط عمومی این وزارتخانه تعریف کند. وزیر جوان بعد استقلال از آمدنش به کلاه فرنگی و اصرار دیگران به دیدن موزه بی سیم، پذیرفته که سالی یک‌بار یادوار به مناسبت‌های خاص مثل روز ارتباطات اجازه بازدید از این بنا داده شود.

رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت ارتباطات می‌گوید هنوز از همه بناهای تاریخی و قدیمی در اختیار این وزارتخانه اطلاعات کاملی ندارند و قرار است در معاونت جدید، به دنبال شناسایی همه خانه‌ها و ساختمان‌های تاریخی باشند و کار احیاء و مرمت آنها آغاز شود. وزارت ارتباطات علاوه بر اینها مستندسازی تاریخ شفاهی این نهاد را هم از یک‌سال پیش آغاز کرده است؛ وزارتخانه‌ای با ۴۵۵ وزیر و معاون ارتباطاتی. هادیان می‌گوید آرشو بزرگی از اسناد در اختیار این وزارتخانه است که البته نقص بزرگی در آن وجود دارد: «بخش زیادی از آرشو تصویری و فیلم‌ها که حدود ۶۰ سال در مخابرات، پست و تلفن بود بر اثر کم‌توجهی از بین رفته و ما در حال جمع‌آوری باقیمانده این آرشو هستیم.»



دستگاه ژنراتور زیمنس آلمانی که در سال ۱۳۰۶ به مجموعه اضافه شد



پلاک سربری ۷۷ ساله مرکز مخابرات